

بیانیه مجاهدین خلق ایران درباره رفراندوم

و

انتظارات مرحله ای از جمهوری اسلامی



سازمان مجاهدین خلق ایران

بیانیه مجاهدین خلق ایران

درباره

رفتارندوم

و

انتظارات مرحله‌ای از جمهوری اسلامی

www.KezabFarsi.com

مقدمه :

میهن ما اکنون در یکی از حساسترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد ، در حالیکه مبانی و زمینه‌های غینی اقتصادی و اجتماعی برای یک انقلاب پیروزمندرهائی بخش از هر حیث فراهم شده است ، متأسفانه ماهنوز از شرایط ذهنی مکفی برای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی ، که نهایتاً در یک سازمان انقلابی مردمی ، باتوان تشکیلاتی متناسب در سطح کل کشور ، تجسم مییابد ، برخوردار نیستیم .

شدت سرکوب و خفقان پس از کودتای خیانت بار ۲۸ مرداد و بویژه پس از اصلاحات ارضی امپریالیستی سال ۴۱ عامل اصلی چنین کمبودی است ، کمبودی که در صورت جبران نشدن ، بی تردید باعث آن خواهد شد که شکستهای گذشته مادر انقلاب مشروطه و در دوران دکتر مصدق فقیید ، مجدداً بنحود دیگری تکرار شود . شکستهایی تلخ و خونبار که بار دیگر در اشکال خاص خود ، به استقرار دوباره سلطه استعمارگران بر این میهن و اسارت تمام مردم آن منتهی میگردد . آنگاه دستاوردهای بسیار گرانقدری را هم که طی مرحله مبارزه ضد دیکتاتوری تحت رهبری قاطع حضرت آیت الله خمینی حاصل کرده ایم ، تدریجاً از ما باز خواهند ستاند .

بنابراین پیروزی انقلاب ما از این پس در گرو نقش خطیر رهبری و مواضعی است که عناصر آگاه و مسئول واحزاب و جمعیت‌های سیاسی اتخاذ میکنند .

اگر این نقش‌ها و مواضع بطور اصولی و درست در صراط مستقیم و منطبق با مقتضیات اجتماعی و سیاسی مرحله‌ای برگزیده و اجرا گردند شکی نیست که به مصداق آیه :

" قَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرَهُمْ وَإِنَّ كَانِ مَكْرَهُمْ لَتَرْوُلَ مِنْهُ الْجِبَالُ ... " (۱)

هر مکر و توطئه امپریالیستی نقش بر آب شده و حاصل سوء فتنه‌ها و توطئه‌ها بخود آنها باز خواهد گشت چرا که بقول قرآن " لا یحیی المکر السی الا باهلها " مکر و توطئه زشت جز در مورد اهل و خود برانگیزانندگان آن محقق نمیشود .

باین ترتیب بارفع گام به گام نقایص سازمانی — سیاسی جنبش (که تاکنون بعلت سرعت تحول اوضاع و پیروزیهای برق‌آسای آن کل جنبش، فرصت جبرانش را نیافته است) میهن ستمزده ماقرین آزادی ، آبادی و صلح و سلام خواهد شد و به مصداق مضمون آیه — :

۱- هر چه مکر و توطئه و فتنه‌گری کنند ، مکرشان در نزد خدا آشکار و در کادر قانون‌مندیهای اوست ، ولو اینکه از مکر و تکنیک آنها کوه‌ها نیز بجنبند زایل شوند .

الذین یملون ما امر الله به ان یوصل

مردم ما به حقوق تاریخی خود نائل شده و با جمیع کفایت‌های سیاسی، اجتماعی و عقیدتی خود پیوند می‌خورند.

در غیر این صورت نقشه‌های امپریالیستی یکی پس از دیگری پیاده شده و انقلاب مادستخوش نسیان و افول خواهد گردید. همان داستان تکراری همه انقلابات شکست خورده معاصر که برآستی یادآوری آن پشت هر فرد مسئول رامیلرزاند. اگرچه اشکال پیاده شدن این توطئه‌ها متنوع است اما مضمون و جوهر آنها همیشه یکی بوده است.

ابتدا با علم کردن مسائل فرعی و حاشیهای و دست گذاشتن بر نقاط اختلاف نیروهای مختلف مبارزه را بسط کانالهای فرعی گشانده و از مسیر اصلی منحرف می‌کنند. به اینگونه وحدت اصولی مردم در مسیر واحد مبارزه ضلوع امپریالیستی با به فراموشی سپردن قاعده "الاهم فالاهم" که همان اصلی و فرعی کردن مسائل و مشکلات باشد، خدشه دار میشود. آنگاه نیروهای مختلف را بجان هم انداخته و در این میان تابتوانند بلکه دار کردن انقلابیون راستین، همان فرزندان سازش‌ناپذیر خلق، آنها را قلع و قمع میکنند. آنگاه وقتی نیروهای مردم شقه شده و زمینه از جهت

سیاسی فراهم گردید ، ضدانقلاب با نیروی نظامی مجدداً سازمان یافته‌اش وارد معرکه شده و ضربه نهائی را فرود می‌آورد و کنترل اوضاع را بدست می‌آورد ، بهانه‌های این اقدامات نیز بطور جهانی از پیش استاندارد شده است و معمولاً زیر سرپوش "دفاع از دین و مذهب" یا "ترس از سلطه کمونیسم و شوروی" یا "نگرانی از تجزیه طلبی" و . . . امثالهم صورت می‌گیرد بنابراین بمنظور ادامه انقلاب تا قلم راستین پیروزی و به منظور باطل کردن هر گونه سحر و افسون امپریالیستی و ارتجاعی ، مقدم بر همه چیز بایستی یک برنامه مرحله‌ای که مورد توافق عموم نیروه‌های مردمی باشد ارائه داد و آنگاه در مسیر اجرای آن تمام اقشار خلق را بسیج نمود .

هدف این برنامه باز کردن گره اصلی مشکلات و مسائل مرحله‌ای و تامین وحدت هر چه بیشتر تمام مردم طی این مرحله است . کما اینکه دیدیم تا وقتی شاه در ایران حکومت میکرد ، از آنجاکه در نخستین قدم گره اصلی کلاف تمام مشکلات ایران بود و از آنجاکه به همت حضرت آیت الله خمینی دقیقاً و بطور سازش ناپذیری روی همین نقطه اصلی انگشت گذاشته شده بود و وحدت صفوف تمام مردم پنجگانه چشمگیری تجلی داشت و اختلافات فرعی موقتاً هم که شده فراموش شده بود .

اکنون نیز تنها و تنها ، با حرکت در مسیر چنان برنامه

مردمی که امحاء امپریالیسم به منزله عامل اصلی دردها و مشکلات و گره‌های فعلی جامعه ما محور و مضمون آن باشد میتوان وحدت قبلی را بازسازی و احیاء و تقویت نمود و در عمق دل و جان تک تک نیروها و افراد مبارز رسوخ داد.

اراین رو می‌جاهدین خلق ایران بدینوسیله برنامه مرحله‌ای خود را تقدیم میکنند، به امید اینکه از جانب نیروهای مردمی اسلامی و بخصوص علماء و اساتید و ارستیه و دولت حاضر مورد مذاق و حمایت قرار گرفت و در چارچوب جمهوری اسلامی معمول و اجرا گردد. باشد که برآورده شدن این اهداف مرحله‌ای راه را برای حرکت هر چه معقولتر و سریعتر به جانب استقرار نظام اجتماعی توحیدی و حکومت عاری از طبقات و تنهی از استثمار (قسط) در مراحل بعدی هموار کند. لیکن قبل از ورود به برنامه حداقل و انتظارات مرحله‌ای ما از جمهوری اسلامی و پرداختن به محتوای سیاسی اجتماعی و اقتصادی جمهوری که چنانکه مطلوب مرحله کنونی انقلاب ما است، ابتدا پایستی به نحوه استقرار این جمهوری و شکل ایجاد آن پردازیم.

نظر مجاهدین خلق ایران درباره :

رفراندوم ونحوه استقرار جمهوری اسلامی .

باتوجه به واقعیات سیاسی واجتماعی کنونی جامعه ایران ، جای تردید نمیماند که برقراری جمهوری اسلامی خواست اکثریت قاطع مردم ما ولذا موفقیت آن در رفراندوم پیش بینی شده از جانب دولت از پیش محرز ولذا ضدیت با آن جز نشان سکتاریسم نخواهد بود . استقرار جمهوری اسلامی قطع نظرا زهر پیشوند و پسوندی که توضیحا بر آن متصور شده باشد طبعاً برای مجاهدین خلق ایران بعنوان سازمانی که از آغاز حامل یک رسالت مکتبی بوده است بخودی خود یک کمال مطلوب است مشروط بر اینکه آنچه بنام اسلام ارائه میکنیم حقیقتاً اسلامی وبدور از هر شائبه‌ی شرک آمیز استبدادی و استعماری واستثماری باشد . اسلامی پاک مردمی ومبصری از جعلیات زنگارها و رسوبات طبقاتی قرون واعصار . والابدیهی است که وجدانهای آگاه وانقلابی مسلمانان هرگز سوء استفاده ارتجاعی از نام اسلام راروان نخواهد داشت . چراکه امروز تمام جهانیان چشم انتظار تجربه‌های هستند که در این میهن بنام اسلام صورت میپذیرد .

تجربهای که بلاشک پیروزی آن ، پیروزی اسلام و

شکستش نیز فتوری در روند جهانی رشد اسلام خواهد بود .
بنابراین طبیعی است که وجدانهای آگاه و انقلابی مسلمان
هرگز سوء استفاده ارتجاعی از نام اسلام را روانخواهد داشت .
بهمین دلیل قبل از مشخص کردن انتظارات مرحله‌ای
که از جمهوری اسلامی به لحاظ محتوا و مضمون آن داریم ناگزیر
به شکل استقرار آن میپردازیم .

۱- از آنجا که خلق قهرمان ایران صرفاً در مسیر یک
مبارزه خونبار تاریخی که با شرکت عموم اقشار و طبقات مردم
صورت گرفت موفق به واژگون کردن رژیم سلطنتی وابسته
به امپریالیزم شده است و از آنجا که رای اعتماد اکثریت
قاطع مردم ایران ضمن راهپیمایی‌های متعدد چندین ملیونی
مبنی بر ریشه کن کردن نظام منفور سلطنتی و تأیید نظام
جمهوری بارها و بارها در تأیید از حضرت آیت الله خمینی
صراحتاً اعلام شده و از آنجا که به لحاظ حقوقی نیز خاستگاه
هر قانونی ازاده مردم است که اراده خدائیز سرانجام و بطور
تاریخی از همین طریق بیان میشود ، و از آنجا که به اتکاء
همین اراده رای اعتماد مردم ایران ، دولت مهندس بازرگان
معرفی و در سطح بین المللی نیز واجد مسئولیتهای سیاسی
و حقوقی خود شده است و از آنجا که این دولت بوسیله اکثریت
دولتهای دیگر جهان و حتی حامیان و اربابان همان شاه
سابق برسمیت شناخته شده و از آنجا که

نداد دیگر سوال مطروحه در فروردین دوم پیش بینی شده ، تا آنجا که به نظر خواهی در مورد سر نوشت رژیم سلطنتی و بسود و نبود آن مربوط میشود ایسا با بیمار دو منتفی است ، مگر اینکه خدای نا کرده در اصالت آنچه تا کنون در نفی و ریشه کن کردن نظام منقور سلطنتی انجام شده تردید داشته باشیم .

این نحوه سوال بلحاظ حقوقی نیز اقدامات دولت را در احراز صلاحیت ها و اختیارات جامع خود نیز دچار تناقضی چشمگیر میکند و اقدامات آنرا در عباری از ابهام و تناقض فرو میرد ، زیرا اگر بگورسیردن لاشه سلطنت عفونت بسیار ۲۵۰۰ ساله هنوز محل سوال و تردید باشد معلوم نیست که به چه مجوزی و در کادر چه نظامی دولت مهندس بازرگان معرفی شده و بکار پرداخته است ؟ البته اگر قبل از روی کار آمدن دولت مهندس بازرگان چنین سوالی میشد باز می شد محتملی برای آن ساخت ولی اکنون مثل این است که کسی اول در راباز کند و بعد اجازه ورود بگیرد !

۲- اما مهمترین ایرادیه نحوه طرح سوال مربوط میشود اگر ما به رأی اکثریت قاطع مردم ایران اعتماد داریم ، اگر مطمئنیم که آنها به ندای آقای خمینی مبنی بر پدیده سرش جمهوری اسلامی رای مثبت میدهند دیگر چه لزومی دارد که خود را به افکار داخلی و بین المللی مستبد و انحصار طلب معرفی کنیم ؟

مگر خود آقا بارها و بارها در پارسیس بر حقوق عموم طبقات
 و نیروهای مردم دایر بر حق انتخاب و اظهار نظر آزاد همگان
 تاکید نکرده اند؟ پس چرا باید طوری عمل شود که انعکاس
 درستی نداشته و این شبهه را ایجاد کند که ما فقط میان
 رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی مخیر کرده اند و لا غیر! آیا
 ما دوست داریم که بر فرض هم که کسی با جمهوری اسلامی موافق
 نباشد یا دادن رای مخالف به جانب رژیم طاغوتی سلطنتی
 گرویده و موافق آن قلمداد شود؟ یا اینکه معتقدیم هر کس
 یا مانعیت ضد ما و علیه ما است؟ یا می خواهیم سایرین
 را وادار کنیم که از تزیین سلطنت به اجراه و اجبار به جمهوری
 اسلامی رای بدهند؟ در این صورت جواب کسانی را که فکر
 میکنند ایرادات واضح حقوقی و سیاسی و اجتماعی مربوط به
 طرح رژیم منقور سلطنت در سوال رفراندوم، که فوقاً از آن یاد
 کردیم عمداً بخاطر وادار کردن مردم به پذیرش جمهوری
 اسلامی نادیده گرفته شده چه خواهیم داد؟ بخصوص
 صراحتاً اعلام میکنیم که آنچه این نحوه طرح سوال را در نظر
 مجاهدین خلق ایران با توجه به تعهد مکتبی شان در قبال
 اسلام ناپسند و نگران کننده میکند اینست که چرا باید تحت
 لوای نام پاکیزه و مطهر اسلام، برغم تمام حیثیت انقلابی
 و مکتبی تاریخی اش در برانگیختن توده های مردم و دعوت
 آنها به عدل و اقامه قسط طوری برخورد شود که در همین قدم

اول وحتى قبل از استقرار خود جمهوری اسلامی بوی اکراه و اجبار به مشام برسد ؟

بنا بر این ، به اعتقاد ما و بر حسب این قاعده روشن و صریح اسلامی که " هیچگونه انتخاب و قرارداد و عقدی که در آن اجبار روا شده و از ابراز تمایل و اراده آزاد افراد و گروههای انسانی بنحوی از انحاء ممانعت شده باشد ، معتبر و اصیل نیست . از دولت آقای مهندس بازرگان تقاضا میکنیم ترتیبی اتخاذ نمایند که امکان انتخاب آزاد هر شکل از حکومت برای هر فرد یا گروهی در نظر خواهی وجود داشته باشد . البته بدیهی است همچنانکه فوقاً گذشت در هر صورت نظر مجاهدین خلق ایران دقیقاً مطابق نظر اکثریت قاطع مردم ایران و بر حسب نقطه نظرهای ایدئولوژیکی خود متضمن رای مثبت به جمهوری اسلامی است . ۱ .

انتظارات مرحله‌ای از جمهوری اسلامی برنامه مرحله‌ای و انتظارات حداقلی که از جمهوری اسلامی داریم

بطور کلی بر حسب نقطه نظرهای اصیل توحیدی انتظارات حد
اقل ما از جمهوری اسلامی در ریشه کن کردن همه جانبه سلطه
امپریالیست‌ها از این میهن خلاصه میشود .
بعبارت دیگر صرف نظر از اشکال و فورمهای مختلف حکومتی
محتوای هر نظامی که در این مرحله بنام اسلام عرضه میشود
دقیقا بایستی خصمت ضد امپریالیستی ، ضدا رجاعی و ضد
دیکتاتوری داشته باشد . این خصمت ها که عناصر محتوایی این
جمهوری را مشخص میکنند بمثابة همان شروط لازمی هستند که
بدون حضور آنها هیچ صحبتی از اسلام راستین نمیتواند در
میان باشد . زیرا چگونه میتوان نظامی را که در آن هنوز هم
بنحوی از انحاء بقایا و آثار امپریالیسم وجود دارد ، اسلامی
نامید ، آیا امپریالیست‌ها همان شیاطین مجسم بین المللی
امروز جهان نیستند ؟ بنابراین مضمون برنامه حداقلی یک
سازمان مسلح به ایدئولوژی اسلام و جهان بینی توحید ، دقیقا
ملازم بانفی همه جانبه آثار سیاسی ، اقتصادی ، نظامی

و فرهنگی امپریالیزم جهانی به سرمدمداری آمریکا است .
همان قدرت شیطانی ، طاغوتی و کفرآمیزی که غدارتر-
بین نیروی تاراج گرتاریخ جهان را تشکیل میدهد . همان
قدرتی که همراه با سایر شرکاء تمام خلقهای زیر سلطه جهان
را در چنگال اهریمنی خود دارد .

همان قدرتی که آثار شوم جنایات آن سراسر جهان را
از الجزایر و فلسطین گرفته تا ویتنام و آمریکای لاتین فرا گرفته
است ، و بر استنی کدام جنایت و دزدی و فحشاء و بدکاری و
گشتار را در سراسر جهان و از جمله در میهن خونبارمان میتوان
یافت که مستقیم یا غیر مستقیم ردیای امپریالیستهارا بنحوی
از انحاء در آن نتوان دید و این همان قدرتی است که بقول
آیه *سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ
وَالنَّسْلَ* تلاش دارد که بجای عدل و داد در زمین تبااهی
و فساد بگسترده و تولید و ستاوردها و استعدادات و مهمتراز اینها
نسل ما را نیز بنا بودی بکشاند . کما اینکه در تاریخ جدید
ایران از مشروطه به این طرف امپریالیستها پیوسته حامی
و ارباب هر جنایت و پلیدی سفاکان بوده اند . همانها که رضا
پالانی قلدرا بر ما گذاشتند و برایمان ۲۸ مرداد ، ساواک ،
۱۷ شهریور ، سینمارکس و چماق دارورستاخیز و
به ارمان آوردند ، همانها که کاپیتولاسیون سیاسی خود را به

تعام ابعاد زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ما تعمیـم دادند . از این نظر بصراحت اعلام میکنیم که هرگونه ابهام و تردید در تشخیص امیرالیزم غدار زمان بمثابة مانع ، بست ، و تضاد اصلی این مرحله از تاریخ ، از جانب هر فرد و مقام و گروه ملی بی تردید در این میهن فاجعه‌ها بیار خواهد آورد و بیگفته علی علیه السلام : **وَإِيمُ اللّٰهِ لَتَحْتَلِبْنَهَا دُمًا ، وَلَتَتَّبِعْنَهَا دُمًا .** و آنگاه است که بخدا سوگند خون خواهید دوشید و در پی آن پشیمان خواهید گشت .

اعلام میکنیم که بدون درگیری قاطع انقلابی با تمام مظاهر این قدرت شیطانی هیچ مجالی برای سعادت خلق و رضای خالق و معرفی چهره راستین اسلام و گام برداشتن بجانب توحید و یگانگی اجتماعی باقی نخواهد ماند و بقول قرآن :
" تمام رشته‌ها نیز پنبه شده . . . و با تسلط طبقه و گروهی برتر و فزوده تر بر سایر طبقات . . . " مواحه خواهیم بود (آیه ۹۲ سوره نحل) .

اعلام میکنیم که بی توحیدی به این دشمن اصلی از جانب هر فرد و گروهی که باشد سرانجام جز بخیانت راه نخواهد برد . و عموم اقشار و طبقات خلق را مجدداً با فشارهای اهریمنی مواجه خواهد ساخت ، تا آنجائیکه مجدداً به گفته علی (ع)
" هیچ خانه گلی و یا خیمه پشمی نیز بدور از ستم و تباہکاری آنها نخواهد ماند . "

از سوی دیگری جوئی این هدف راستین و مقدس ضد امپریالیستی که جز با اشتراک مساعی عموم طبقات خلق و بویژه توده های محروم و مستضعف امکان پذیر نیست، صرفاً از طریق عینیت بخشیدن به موارد زیرین امکان پذیر است. مواردی که به دردها و زخمهای عمیق پیکره اجتماعی ما حتی المقدور التیام بخشیده و راه را برای استواری مجدد سلطه دشمن مسدود میکند:

- ۱- خلع ید از سرمایه داری وابسته که بطور توان اسباب سیه روزی هم کارگروه سرمایه دار ملی ما فراهم کرده است. به این منظور بایستی: اولاً - بساط چپاول کلیه بانکهای استعمارگر خارجی را برچید، ثانیاً - از آنجا که سرمایه داری وابسته به خارجی هزاران بار بیش از بهره وری قانونی مالکانه خود از این کشور و مردم آن برده و تاراج کرده است، موسسات، کارخانجات، و مزارع وابسته بآن را تماماً با مالکیت عمومی مردم منتقل نمود و آنها را توسط شورای کارکنان اداره کرد. باشد که برویرانه های کانونهای اقتصادی استعماری نظمی نوین و نمونه، نظمی طراز اسلام و روبه توحید ایجاد گردد.
- ۲- اعمال حق کامل حاکمیت ملی بر جمیع منابع ملی و بویژه نفت و ابطال کلیه قراردادهای ننگین استعماری در این

برحسب نقطه نظرهای قرآنی این منابع در شمار "انفال" قرار گرفته و مطلقاً از حیطه هر علقه مالکانه خصوصی خارج و تماماً به استناد آیه " قُلْ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ ... باید در راه خدا و رسول و اهتزاز پرچم رهایی بخش تقوا ، در خدمت خلق قرار گرفته و صرف اصلاح ذات‌البین یعنی تصحیح مناسبات و روابط اجتماعی و ترمیم و پیرکردن انقلابی شکافهای طبقاتی و استثمارگری جامعه گردیده

۳- احتراز از سرمایه‌گذاریهای کلان در صنایع فوق -

العاده پیچیده و پرهزینه بنفع رشد صنایع متوسط و کوچک و بویژه در حوالی روستاها بمنظور متعادل کردن بخش صنعتی و بخش کشاورزی با توجه به اولویت بخش کشاورزی که بدون رعایت آن هرگونه توسعه سالم اقتصادی و مهار کردن ایدئو- لژیکی متخصصین و اداره سالاران غیر ممکن است . بدیهی است عدم رعایت نکته فوق توسعه اقتصادی ما را سریعاً به سوی

یک رشد نامناسب سرمایه‌داری با ارجحیت اقشار متخصص و اداری سوق خواهد داد . که نتیجتاً وابستگی مجدد به بلوک سرمایه‌داری را در تقدیر دارد حال اینکه باللهام از علی (ع) در خطبه ۱۵ نهج البلاغه خواستار یک توسعه عادلانه اقتصادی مبتنی بر بسیج مردمی (و نه یا تگاء سرمایه‌گذاری و بانکهای خارجی) هستیم که با تخفیف نابرابریهای طبقاتی بر دوش

مستضعفین کارگرودهقان راه‌نمی هرگونه بهره‌کشی طبقاتی را هموار میکند. و مطابق مضمون و روح آیه ۳ سوره قصص سرانجام جایی برای " طبقه طبقه کردن جامعه " باقی نمیگذارد.

۴- بنیانگذاری ارتش مردمی: طبیعی است که توسعه عادلانه و مردمی اقتصادی که حرکت بجانب طبقات محروم را در صدر برنامه‌های خود قرار میدهد جایی برای گسترش یادکنی ارتشهای حرفه‌ای مجهز به سلاحهای پیچیده باقی نمیگذارد زیرا اصولاً رشد یادکنی چنین ارتشهای مجهزی یعنی همان رشد ناهمگون و نامتناسب ارتش در قبال سایر نهادهای اقتصادی و اجتماعی در ارتباط مستقیم با کمبود یا فقدان حمایت مردمی از نظام حاکم است. نظامی که بدلیل حرکت نکردن بجانب مستضعفین و سلطه فن‌شناسان و ارباب اداری از حمایت مردمی برخوردار نبوده و لذا برای حفاظت از خود در مقابل حملات خارجی و داخلی جبراً بجانب ارتش مجهز و حرفه‌ای (و نه انقلابی و مردمی) حرکت میکند. ارتشی که چون پایگاه مردمی ندارد بر حسب سرشت خود در جهت استفاده از ادوات پیچیده جنگی قطعاً به سمت قطبهای قدرت خارجی و وابستگی به ارتشهای امپریالیستی (چه بلحاظ تسلیحات و چه بلحاظ سازماندهی و مستشاری) میل میکند و این تمایلی است که هزینه آن معمولاً در صد بسیار زیادی از

بودجه عمومی راهم میبلعد. اینجاست که با ارتشی مواجهه
 می‌شویم که طبعاً نه در ارتباط با مردم و نه در خدمت آنها و نه
 دارای خصلتها و مقاومت مردمی است. بلکه ارتشی است در
 رابطه مستقیم و ارگانیک با بوروکراسی حاکم و نقطه اتکاهای
 خارجی. ارتشی که در درازمدت و در مجموع نمیتوان انتظار
 رفتار مردمی از آن داشت. انتظاری که جز نشان ساده‌اندیشی
 و سطحی‌نگری نسبت به ساخت و ماهیت و روابط آن نیست.
 تجارب تلخ ارتش شاهنشاهی مادری ۵ سال گذشته بخوبی
 موبداین نقطه نظرها است. این نقطه نظرها در سراسر تجارب
 جهانی نیز تایید شده و به اثبات رسیده‌اند. بنحوی که
 دیده‌ایم مجهزترین ارتشهای جهان نیز در قبال ارتشهای
 مردمی ازپا در می‌آیند و دلیل آن نیز جز در اصالته روابط
 و مناسبات ارتشهای مردمی و اتکاء آنها به توده محروم نیست
 بنابراین ما خواستار پایه‌گذاری ارتش مردم هستیم. یعنی
 ارتشی که در آن جنگیدن بخاطر اعتقاد و منافع مردم بر جنگیدن به
 خاطر مزد و حرفه و امرار معاش بچربد. باید اکیداً متذکر گردید
 که منظور از بنیان‌گذاری ارتش مردم به هیچوجه خلع ید یا
 ایجاد تضییقات مادی و معنوی برای برادران دلیر ارتشی
 نیست بلکه ما خواستار تغییر و دگرگونی بنیادی در نظام و
 ماهیت مناسبات ارتش هستیم. بنحوی که دیگر هیچگاه خود
 برادران ارتشی نیز در داخل نظام ضد خلقی که تمایلات یاطنی

مردمی خود آنها را محبوس کرده بود قرار نگیرند و همچنین آلت دست فرماندهان دست نشانده و مجری یورشهای ضد مردمی نیز نگردند .

بنابراین با اختصار کامل به تشریح ویژگیهای اساسی ارتش مردم میپردازیم :

اولا — در ارتش مردم اطاعت کورکورانه و بدون چون و چرا وجود ندارد بلکه ایدئولوژی و خط مشی صحیح و فهم مکفی سیاسی راهبرورهنمای افراد آن است .

ثانیا — ارتشی است ملی که در خدمت دفاع بوده حامی مصالح تمام ملت بر علیه تجاوز خارجی است . نه اینکه دست نشانده کشورهای بیگانه و امپریالیست بوده و حلقه‌های از زنجیر استراتژیک آنها باشد .

ثالثا — در وحدت کامل با جامعه و بخصوص طبقات پائین جامعه بسمیرد .

رابعا — درست بهمین دلیل در مناسبات درونی خود نیز از یک روحیه وحدت گراتبعیت میکند یعنی اختلافات و حشتناک میان سرباز و افسر و امیر وجود ندارد ، غذای همه یکی است ، از حیث حقوق ، و سایر امکانات نیز اختلاف ناچیز است ، حق انتقاد برای همگان و بخصوص پائین ترین رده‌ها محفوظ است و در انتصابات نیز مورد مشورت قرار میگیرند در عین اینکه انضباط آن نیز آهنین است .

معیار ترقی تقوا و لیاقت است نه فقط سابقه خدمت ، بدیهی است که وقتی ارتشی در درون خود چنین روابط مردمی داشته باشد بی تردید روابطش با توده‌های مردم نیز خصیصه مردمی خواهد داشت . و یادآور ارتشهای حقیقتاً اسلامی و مردمی صدر اسلام خواهد بود که صرفاً رضای خدا و خلق انگیزه سربازان و افسران آن است . مناسبات ارتشهای تحت فرماندهی پیامبر اسلام و علی علیه السلام با مردم معمولی و مناسبات درونی این ارتشها میتواند بخوبی سرمشق هر ارتش دیگری باشد که میخواهد تحت عنوان اسلام عمل کند و بگفته علی علیه السلام در فرمانش به مالک اشتر به زیردستان مهربان بوده — زورمندان سختگیری و گردن فرازی نماید .

ملاحظه میگردد که مانته‌ها قصد مضمحل کردن ارتش و پرسنل آن را نداریم بلکه اکیداً و دقیقاً خواستار قوام و مردمی شدن بیش از پیش ارتش و بهروزی و رستگاری عموم برادران دلیر ارتشی هستیم .

لذا آنچه منحل گردنی است مناسبات و روابط و نظام
وسیستم ضد اسلامی و ضد خلقی ارتش شاهنشاهی است و لا غیر .
و این همان اصل راهنمای مادر ارزشیابی مشروعیت هرگونه
تجدید سازمان ارتش و نیروهای مسلح کشور خواهد بود .
اصلی گسسته نه میشود از آن عقب نشست و نه در مسوردش
تخفیف داد .

تا دیگر هیچکس و هیچ قدرتی نتواند ایرانی را در مقابل
ایرانی قرارداد و سینه‌های خلق بی پناه را بوسیله افسراد
همین مین آماج گلوله قرار دهد
خامسا - خدمت در ارتش مردم به هیچ وجه
اجباری و از روی اجراه نیست .

سادسا - این ارتش بهیچوجه زیر نفوذ مستشاران نظامی
(با آنهمه امتیازات چشم گیرشان) قرار نداشته و بهیچوجه
مستشاران امپریالیست را به کار نمیگیرد .

سابعسا - این ارتش نه تنها در هیچ نبرد غیر عادلانه
امپریالیستی یا جنگ ضد انقلابی (نظیر ظفار) شرکت نمیکند

بلکه عنداللزوم با اغوش باز به کمک جنبش های انقلابی
(نظیر فلسطین) میشتابد .

۵- تضمین آزادی کامل مطبوعات و احزاب و اجتماعات
سیاسی با هر عقیده و مرام . به مصداق آیه : " فبشـر
عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه " " پس
بشارت ده بندگان مرا که گفتارهای (مختلف) را شنیده و از
بهترین آن تبعیت میکنند " ، بایستی توده های مردم را
در شنیدن اقوال و عقاید مختلف و انتخاب میان آنها آزاد
گذاشت .

اعتقاد راسخ اسلامی مادر این رابطه بر این است که
ایدئولوژیها و نظرات مختلف تا آنجا که به حق و حقیقت اتکاء
دارند ، بهمان در صدی که حق طلب باشند از هر گونه نگرانی
در مورد مطرح شدن و مورد بحث قرار گرفتن خود تهی هستند .
البته میان آزادی و دموکراسی انقلابی بالیبرالیزم
و ولنگاری سرمایه داری مرزهای مشخصی وجود دارد که در هیچ
نظام انقلابی نادیده گرفته نمیست . اما مساله اینست که
اسلام ما بر حسب این نص صریح قرآنی که میگوید : " ولا تقف
مالیس لک به علم " " از آنچه بران علم و آگاهی نداری
تبعیت و پیروی مکن " ، هرگز تبعیت کورکورانه و اجباری و نا
آگاهانه مردم را مجاز نمشمرده است . عملکرد تاریخی سمبلها
و رهبران واقعی اسلام و ائمه تشیع سراسر گواه بر خورداری عمیق

وگسترده آنان از روح حریت و آزادمنشی انقلابی است. تا آنجا که در دوران خود پیامبر (ص) و علی (ع) حتی یک نمونه از محدود کردن عقاید و نظرات مخالف وجود ندارد.

علی علیه السلام پیوسته تاکید مینمود که در قبال مخالفین خود هر چند هم که خصمانه برخورد کنند، او به جنگ و درگیری نخواهد آغازید و نخستین کسی نخواهد بود که شمشیر میکشد. امام صادق علیه السلام ساعتی با بزرگ منشی و وقار به بحث با مخالفین فکری و فلسفی خود مینشست و از محترم داشتن آنها هیچ فرو نمیگذاشت.

براستی هم اگر اسلام فی الواقع "برترین و بالاترین" است (الاسلام یعلوا ولای علی علیه) پس از تحمل عقاید و نظرات مخالف دیگر چه باک؟ و مگر این علی علیه السلام نبود که پیوسته مردم را بجای تحسین کارهایی که انجام داده به متذکر گردیدن "حقوقی که از ادای آنها فارغ نشده..." است دعوت مینمود؟

۶- تامین کامل حقوق سیاسی و اجتماعی زنان چنانکه کاملترین شکل عادلانه و تساوی جویانه آن، فارغ از هر محدودیت استثنائی طبقاتی در اساس جهان بینشی توحید و نگرش مکتبی اسلام تصریح شده است. بدیهی است که تامین دستمزد مساوی در برابر کار مساوی (صرف نظر از

از امتیازات ویژه‌ای که خواهران کارگربایستی در حین کار از آر
برخوردار باشند) از اولین و مقدماتی ترین ضوابط این
نگرش مکتبی اسلامی در دفاع از حقوق خواهران زحمتکش
کارگرماست .

۷- رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات قومی
وملی و طنمان در کلیه استانهای کشور و تامین جمیع حقوق و
آزادی های فرهنگی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت
و یکپارچگی تجزیه ناپذیر کل کشور .

بدیهی است که پایداری وحدت این میهن دقیقاً در
رابطه با احقاق حقوق حقه تمامی عناصر و بخش های تشکیل
دهنده آن است .

این نکته‌ای است که درک آن جایی برای هیچ سوء
تفاهمی مبنی بر اینکه مثلاً خود مختاری اداری داخلی
هموطنان ستمزده کرد مقدمه تجزیه است باقی نمیگذارد .

اصولاً به اعتقاد ما نحوه برخورد با مساله " ملیت ها "
یکی از اصلی ترین معیارهای سنجش اصالت و مشروعیت
انقلابی و مردمی و توحیدی یک حکومت وحدت گرا و موحد
اسلامی است . اگر چنانکه در دوران علی علیه السلام دیده
میشود هیچ شائبه استثمار و برتری جوئی و ستم ملی در کار
نباشد ، اختلافات و تضادهای قومی و ملی (میان عرب و عجم
یا میان ترک و کرد و امثالهم) تدریجاً حل شده و به

جانب وحدت میل خواهد نمود . حال اینکه هرگونه فقدان روحیه توحیدی و وحدت گراکه در چشم داشتهای طبقاتی تجسم مییابد مساله رالاینحل ساخته وبه سمت تعارض وقهر خواهدراند . همان چشم داشتهای استثماری که جامعرابه طبقات متخاصم و ناسازگار تقسیم میکند .

در همین جا باید توجه مبرم مردم قهرمانان در کردستان و بنویژه توجه مبارزان و روشنفکران دلیران سامان را چنانکه خود نیز میدانند مجددا به این نکته حیاتی جلب نمود که بایستی در مسیر مبارزات عادلانه خود یکدم از پیوند ریشه‌ای میان ناسیونالیسم انقلابی و ترقی خواه گورد با ناسیونالیسم کل خلق قهرمان ایران غفلت نورزند . پیوندی که در این مرحله تنها در چارچوب مبارزه ملی ضد امپریالیستی تمام مردم ایران قابل حصول بوده و خواهد بود . در غیر این صورت چنانکه امپریالیستها و دشمنان انقلاب ایران میخواهند و همانطور که متاسفانه در برخی نقاط جهان به تلخی (والبتّه به تحریک امپریالیستها و مرتجعین) تجربه شده است ، ناسیونالیسم کرد در مقابل ورود روی مبارزات ملی ضد امپریالیستی کل ایران قرار گرفته و طبعاً دارای مضمونی ارتجاعی خواهد گردید و خدای ناکرده حوادث شوم دوران ملا مصطفی مرتجع و خائن به خلق کرد مجددا فرصت بروز پیدا خواهد کرد بنابراین مبارزان اصیل کرد بنابه وظیفه ملی

- و میبختی شان چنانکه تاکنون نیز کرده اند ، در صورتی
خواستهای حقه خود بایستی بر محکوم کردن تجزیه طلبی
تاکید کنند . واضح است که امپریالیستها اکنون در جهت
پیشبرد مقاصد ضد انقلابی و ضد خلقی خود در مورد تمام ایران
از هرگونه نغمه تجزیه طلبانه با تمام قوا و امکانات استقبال کرده
و ضمناً بهترین بهانه را برای حفظ و تقویت بقای پایتختی
نهادهای نظامی و سیاسی رژیم پیشین بدست خواهند آورد .
- ۸- استقلال کامل دانشگاهها و مدارس عالی و اداره آنها
تحت نظر شورای دانشگاه با مشاورت دانشجویان و کارمندان .
- ۹- لغو کلیه مقررات ضد کارگری و تدوین قانون جدید
کار با نظر خود کارگران .
- تامین مسکن برای تمام کارگران .
 - سپردن اداره بانک رفاه کارگران و سایر صندوقها و
بانکهای کارگری به خود ایشان .
 - لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم
از دست مزد کارگران و تامین هزینههای ضروری نظیر بیمه
و بازنشستگی توسط خود دولت از محل درآمد نفت .
 - اداره امور کارخانه توسط شورای کارکنان مرکب از
نمایندگان شورای کارگران و کارمندان و نماینده کارفرما .
 - لغو کلیه مطالبات مالی رژیم پیشین و افساد آن
از کارگران محروم در کلیه زمینهها .

— تهیه شیرخوارگاه و کودکانستان برای کودکان کارگران .

— رسمی کردن کارگران پیمانی .

— افزایش تصاعدی حق السهم کارگران از —

کارخانجات به نسبت افزایش سود کل .

۱۵ — دهقانان محروم ایران نیز به هیچ مرجع دولتی

بدهکاری ندارند .

— عین زمین‌هایی که توسط نهادهای رژیم سلطنتی

از دهقانان محروم غصب شده باید به آنها بازگردانده شود

و اگر بلحاظ فنی با اشکال مواجه بود معادل آن از املاک پهلوی

به دهقانان مزبور تعلق گیرد .

— تامین حداقل تکنولوژی و وام‌های بدون بهره

کشاورزی برای دهقانان نیازمند .

— هیچ پولی از دهقانان ایرانی بابت مالیات امور

زراعی نباید اخذ شود .

— تمام تحمیلات رژیم شاه به دهقانان که باعث

انهدام کشاورزی ملی ایران شده بود باید جبران گردد .

— تشویق و فراهم نمودن شرایط لازم جهت تشکیل

تعاونیه‌های خلقی و تقویت روحیه جمعی و شورائی در کشاورزان .

— قطع هرگونه دخالت و واردات خارجی در امر کشاورزی و دام

داری ملی مگر بمنظور تامین کسرت تولید داخلی .

— تامین مسکن برای روستائینان از طریق ایجاد

شهرکهای مناسب با خدمات ضروری بمنظور ممانعت هر چه
بیشتر از مهاجرت به شهرها .

۱۱- قطع هرگونه تحمیل دولتی و شهرداریها و بازاریان
و اصناف و کمک به احیاء بازار و صنایع ملی .

- بدون تصویب شورای بازار و اتحادیه های صنفی
هیچیک از اصناف و کسبه جزء را نباید وادار به پرداخت وجه
یا انجام کاری برخلاف میلشان نمود .

۱۲- تامین کامل معیشت ، مسکن و تحصیلات کارمندان
جزء دولتی و دوایر خصوصی و خانواده آنها بخصوص آموزگاران
و دبیران و لغو تمام دیون آنان به مراجع دولتی و بانکهای
استعماری .

۱۳- تحریم سیاسی و اقتصادی دولتهای نژادپرست
اسرائیل ، رودزیا و آفریقای جنوبی .

- به مصداق حدیث نبوی : من سمع رجلا ینادی یا
للمسلمین ولم یجبهه فلیس بمسلم : کسی که مردی را بشنود که
ندامیدهدای مسلمانان (و کمک میخواهد) چنانچه به او کمک
نکند مسلمان نیست .

کمک به جنبشهای آزاد بیخس سراسر جهان و موضعگیری
قاطع سیاسی به نفع آنها بویژه حمایت از سازمان آزاد بیخس
فلسطین بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین .

- جبران همه جانبه تمام ضربات و لطماتی که از ناحیه

رژیم منفور شاه به انقلاب مردم ستیزه ظفار وارد آمده است تا آنجا که ممکن باشد .

۱۴- خروج از همه پیمانهای آشکار و پنهان ننگین استعماری چه سیاسی و چه نظامی و ورود به بلوک کشورهای غیر متعهد .

۱۵- به مصداق این دعوت قرآنی که میگوید : فاذا فرغت فانصب . . . پس آنگاه که (از کار و مرحله‌ای) فارغ شدی (به قدم و پیشرفت بعدی) بکوش . استمرار و مداومت در بسیج توده‌های مردم بمنظور مواجهه قاطع دسته جمعی با تمام مشکلات و تنگناهای سیاسی ، اقتصادی و نظامی احتمالی و پیشرفت و ارتقاء هر چه سریعتر بجانب مراحل بعدی ضرورت تام دارد . این مطلب همان مضمون وصایت مستقر قرآن به " مقاومت و حق طلبی " (صبر و حق) در سوره والعصراست .

تذکر ۱- خطوط اساسی برنامه حداقل فوق‌الذکر از خواسته‌های هیجده ماده‌ای سازمان مجاهدین خلق ایران در آخرین روزهای حکومت شاه ، مندرج در نشریه داخلی این سازمان به تاریخ ۱۴/۱۵/۵۷ استخراج گردیده است . برنامه هیجده ماده‌ای مزبور در شرایطی که فرار و سقوط شاه پیش‌بینی میشد برای مواجهه با مراحل بعدی جنبش پیش‌بینی شده بود .

تذکر ۲ - برنامه حداقل فوق الذکر که مبین کمترین انتظارات مرحله‌ای ما از جمهوری اسلامی است براین مبنای تهیه شده است که جامعه امروز ایران در مرحله کنونی درگیر یک نبرد رهایی بخش ضد امپریالیستی تمام خلق است که طبعاً حل مساله طبقاتی و بهره کشی انسان از انسان را بر محل آتی انقلاب موکول میکند . لیکن بدیهی است که رهبری و جهتگیری انقلاب کنونی لاجرم بایستی در آن مسیر بوده و لذا مسلم هدایتی با دیدگاههای توحیدی اجتماعی و معتقد به ریشه کن کردن هر نوع استثمار از جامعه بشری است . هدایتی که اجتماعاً و بطور اصولی و اساسی بردوش طبقات مستضعف کارگروهقان استوار میشود . بنابراین برنامه حداقل حاضر تنها در گذار از نظرگاههای بلند مدت ، به اهداف نهائی خود حاصل شده و با آنها پیوند میخورد . این مطلب ضرورت تبلیغ هر چه گسترده تر نقطه نظرهای ایدئولوژیک ضد استثماراری اسلام واقعی را (البته به نحو معقول و مناسب) از همگان نخستین روز جمهوری اسلامی مطرح میسازد . برحسب این نقطه نظرها و از جمله برحسب " لیس للانسان الاماسعی " (بر انسان جز حاصل کارش (روانیست))

و نیز " فجنه ایدیهم لاتکون یغیرا فواهم "

دست رنج آنها برای دهانهای غیرنیست (نهج البلاغه)
بایستی اذالت کار را در برابر سرمایه و سود برای عموم
طبقات و نیروهای مردمی و سیعاً تشریح نمود و با تکیه بر
انگیزه‌های متعالی ایدئولوژی سرمایه‌دوستی و سودپرستی را
بطور داوطلبانه و فی سبیل الله در همین مرحله نیز هر چه
محدودتر ساخت. به این امید که اختلافات و تضادهای
طبقاتی مراحل بعدی انقلاب تا حدود بسیار زیادی بطور
غیرمتعارض و از طریق مسالمت‌آمیز حل شود و به وحدت
بگردد. روابط صمیمانه همکاری و هم‌یاری توحیدی که حین
مقابله با حکومت نظامی در اکثر نقاط ایران برقرار گردید به
خوبی میتواند صحت این نظریه را گواهی کند.

تذکره ۳ - چه بسا بهتر بود که ابتدا محتوای
جمهوری اسلامی به ترتیبی که در نخستین مرحله ضامن و شامل
اهداف و برنامه فوق‌الذکر باشد مشخص گردیده و سپس به
رای مردم گذاشته میشد، در این صورت همگان بهتر
میدانستند که به چه چیز رای مثبت و منفی میدهند. همین
نقیصه بود که مجاهدین خلق ایران را بر آن داشت که بدین
وسيله را سا به مشخص کردن حداقلهای جمهوری ای بپردازند
که بآن رای مثبت خواهند داد، به این امید که در مقابل
چنین موضع مثبت و تفاهم‌آمیزی شورای انقلاب
و دولت آقای مهندس بازرگان هر چه زودتر قانون اساسی

دربگیرنده انتظارات فوق الذکر از جمهوری اسلامی را بنظر خواهی عموم بگذارند . لذا نظر خواهی مذکور را به حقوق میتوان موعداظهار نظر نهائی درباره محتوای جمهوری پیشنهاد شده دانست .

بدیهی است که ملاک و معیار خدشه ناپذیر مجاهدیسن خلق ایران در همکاری با دولت حاضر و یا دولت‌های پیش از استقرار جمهوری اسلامی ، همچنانکه قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم عملکرد ضد امپریالیستی دولت‌ها و میزان انطباق آنها با برنامه فوق الذکر است . بعبارت دیگر ما مشروعیت مکتبی و انقلابی دولت‌های راکه بارای مثبت توده‌های مردم (و از جمله خود ما) در چارچوب جمهوری اسلامی بقدرت میرسنند ، تحت الشعاع هدف ضد امپریالیستی و مطابق با برنامه سه خواستهای اصولی فوق الذکر میسنجیم . این نیز روشن است که برای یک سازمان مسلح به ایدئولوژی انقلابی اسلام و معتقد به مکتب و مرام ، اصول نه سازش پذیرند و نه تخفیف داندنی .

مجاهد یسن خلق ایران

۵۷/۱۲/۲۷